

کتاب در یک نگاه

بدایع البحوث فی علم الاصول

• عبدالله امینی پور

این تقریرات اصولی و حتی فقهی، آردگاه علمی چشمنوازی برای تماشای تضارب آرا و تعاطی افکار دین‌پژوهان شیعی است. در کنار انبوه تقریرات، گاه آثاری رخ می‌نماید که تمامی آموزه‌های اصولی را بررسی و کاوش می‌کند و تحریری نو از این دانش به دست می‌دهند. کتاب چهار جلدی بدایع البحوث فی علم الاصول از همین شمار است. این کتاب تحریری نو از دانش اصول فقه با تأکید بر کلیت بحث، سیر تاریخی، تطبیق قواعد با احکام و کاربردهای آنهاست و توجه و تأکید فراوان بر قواعد نوپدید عقلی-اصولی که در استنباط حکم فقهی تأثیر فراوانی دارد.

در جلد نخست مباحث دلالت‌ها، مباحث لغوی، صحیح و اعم، اراده، ملاک‌های احکام و تعلیل‌های شرعی، حکم، انواع حکم، نقش عرف در استنباط احکام، و سرانجام بحث نقش زمان و مکان در اجتهاد فقهی را طرح می‌کند.

در جلد دوم و بیش از ورود به مباحث اصولی، نویسنده ضرورت مقدمه و مباحث مقدمه‌ایی را یادآوری می‌کند و چند صفحه را کوتاه و شتاب‌زده می‌نگارد. وی در این مقدمه عوامل مؤثر در تحصیل ملکه اجتهاد و توان تفقه را بر می‌شمارد: آشنایی با فقه اللغه عربی، آشنایی با صرف و نحو، آشنایی با قواعد رجالی و درایه الحدیث، تسلط کامل بر قواعد اساسی فقه، و سرانجام تسلط کامل بر قواعد و مسائل اصولی. وی هر یک را در چند سطر بیان می‌کند و در ادامه می‌گوید که این مسائل بیش از آنکه فقهی باشند، در دانش اصول تأثیر گذارند و در تحصیل حجت نقش‌آفرین‌اند. وی در جلد دوم علاوه بر آنکه از قواعد نسبتاً نو پدید سخن می‌گوید، آرا و دیدگاه گذشتگان را نیز طرح می‌کند، کسانی چون سید مرتضی



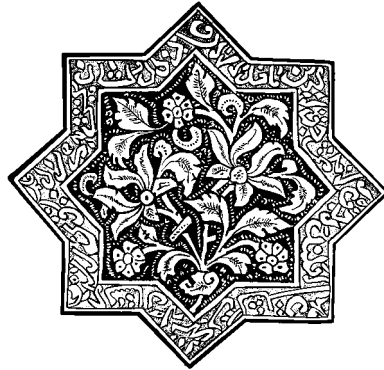
■ بدایع البحوث فی علم الاصول (۴ج)

■ علی اکبر سیفی مازندرانی

■ انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین قم)

اجتهاد، از مهم‌ترین ویژگی‌های پویایی مذهب تشیع است. عالمان شیعه با بهره بردن از این امکان علمی توانسته‌اند در عرصه اجتهاد، حماسه‌های چشمگیری بیافرینند و آثار گرانسنگ و پر بهایی پدید آورند.

در دهه‌های اخیر و به برکت فراهم شدن زمینه و بستر مناسب، شاهد نشر آثار پر برگ و پر برکتی درباره اصول فقه بوده‌ایم، که برخی از آنها تقریرات دروس استادان متأخر بوده است.



و...؛ قواعد اصالت نفسیه و عینیه و تعیینیه، افضای امر، ترتب، اجزاء، بدلیه (مبدل و مبدل منه)، احتیاج القضاء الی امر جدید، قواعد اقسام واجب، و...

جلد چهارم از مسائل زیر بحث می‌کند: نواهی، امتنان، عام و خاص، نسخ، حکومت و ورود.

یکی از روش‌های ارزشمندی که نویسنده در این اثر بکار برده و از آغاز تا پایان پاینده آن است، تطبیق و تفقیه قاعده مورد بحث است. به عبارت دیگر، نویسنده پس از تنقیح بحث و بیان قاعده به ذکر مسائل فقهی اقدام می‌کند، ثمره قواعد اصولی را بررسی می‌کند، که این شیوه در خور تقدیر است. نکته و روش دیگر وی توجه به سیر تاریخی قاعده است. گاه یک مسئله و قاعده را در مسیر زمان دنبال می‌کند و تولد و رشد آن را از گذشته تا به امروز به نمایش می‌دهد، مثلاً قاعده ترتب به گفته شیخ و محقق عراقی، کرکی اولین کسی بود که این اندیشه را مطرح کرد و پس از وی کاشف الغطاء و شاگرد برجسته‌اش، شیخ محمدتقی اصفهانی در هدایة المسترشدين، مبانی آن را استحکام بخشید. پس از آن میرزای شیرازی ارکان قاعده را مستحکم‌تر کرد. سایر عالمان این قاعده را در تطبیق‌های فقهی خویش بکار بردند، هر چند امروز به نوعی اطناب و ابهام علمی بر می‌خوریم.

نویسنده، بر پایه حجیت‌ها تقسیم‌بندی خود را طرح کرده است. سخن این‌جاست که بر اساس متولوژی علمی آیا تمامی جوانب بحث را رعایت کرده است و می‌تواند انبوه سؤالات را پاسخ گوید.

و شیخ مفید و علامه... وی با طرح دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که چگونه رأی فقهی اتخاذ می‌شود. این علما از ورود به مباحث عقلی شدیداً پرهیز می‌کردند و استنباط در اجتهاد آنان، نقشی نداشت. وی گاهی به اعتراض می‌گوید مباحث عقلی بیگانه‌ایی در باب غرض و هدف این دانش طرح می‌شوند و ثمره علمی‌ای ندارند و مایه اطناب و درازگویی و ابهامند و جوینده حقیقت را برای رسیدن به اجتهاد صحیح و هدف اصلی، سردرگم می‌کنند. در دومین جلد این مجموعه، محورهای زیر را مطالعه می‌کنیم: حجت‌های عقلائی، بنای عقلا در مبانی اصولی، حجت‌های عقلی و سرانجام حجت‌های شرعی؛ بررسی قواعد تعیین ظواهر الفاظ، بحث از مفهوم و منطوق، مسئله مشتق و نقش آن در مباحث اصولی و...

سومین جلد این مجموعه، از روش و عادت عالمان اصول آن بحث می‌شود که مباحث الفاظ را از حجت‌ها و امارات جدا می‌کند و مسائل این دانش را در سه محور بررسی می‌کند: یک (الفاظ؛ دو حجت‌ها و امارات؛ سه) اصول عملیه. مباحث تعادل و تراجیح را نیز در خاتمه بحث آمده است. نویسنده، زیرا قواعد اصولی را مجموعه‌ای از قواعد زمینه‌ساز تحصیل حجت می‌داند، لذا تمامی مسائل این دانش را بر اساس انواع حجت‌ها تقسیم می‌کند و بحث را با حجت‌های لفظی عقلائی می‌آغازد. مقصود نویسنده از حجت‌های عقلائی، تمامی اموری است که حجیت آنها در سیره عقلائی و خردمندان قوم ثابت شده است.

به هر روی در سومین جلد این مجموعه این مباحث طرح می‌شوند: اوامر، شامل صیغه امر، جمله‌های خبری در مقام انشا